

پیشگفتار

برنامه انتقالی برای انقلاب سوسیالیستی

احتضار سرمایه داری و وظایف بین الملل چهارم که به عنوان "برنامه انتقالی" شهرت یافته، برنامه بنیادی بین الملل چهارم است که در نخستین کنگره آن در سال ۱۹۳۸، به اتفاق آراء تصویب شد.

بین الملل چهارم یکسال پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، هنگامیکه احزاب بین الملل سوم (کمینترن) و بین الملل دوم (سوسیال دموکراسی)، آمادگی خود را جهت حمایت از قدرت های امپریالیستی گوناگون، اعلام کرده بودند، بر مبنای انترناسیونالیسم انقلابی، بنیان گذاشته شد. تشکل بین الملل چهارم نمایانگر مرحله ای مهم از مبارزه ای بود که در سال ۱۹۲۳ توسط اپوزیسیون چپ و تحت رهبری لنون تروتسکی برای حفاظت از لنینیسم اصیل در برابر بوروکراسی استالینیستی، نخست در اتحاد شوروی آغاز شد و به تدریج به سراسر جهان گسترش یافت.

تروتسکی که به حالت تبعید در مکزیک بسر می برد، قادر به شرکت در نخستین کنگره بین الملل نبود، لیکن در بهار سال ۱۹۳۸، برنامه انتقالی را تدوین کرد و پس از چندین ماه بحث داخلی، سرانجام از طرف کل بین الملل چهارم پذیرفته شد. تروتسکی اتخاذ این برنامه را "هنگفت ترین پیروزی" نهضت انقلابی پس از مرگ لنین، محسوب می کرد.

کاربرد برنامه انتقالی در جنبش کارگری ایران

مطالبات کارگری را نمی توان به صورت تصنعی و فرمول وار به طبقه کارگر تحمیل کرد. حد اقل نطفه های آن مطالبات بایستی در درون خود جنبش کارگری به نقد شکل گرفته باشند. شعارهای محوری کارگری از یکسو از دل جنبش کارگری ظاهر

می‌گردد و از سوی دیگر نقش تقویت‌کننده سازماندهی و برنامه‌ریزی درازمدت در جامعه سرمایه‌داری را ایفا می‌کند.

برای بررسی شعارها محوری کنونی جنبش کارگری، در ابتدا باید مفهوم «مطالبات کارگری» روشن شود و سپس مطالبات محوری از آن استنتاج شود. مطالبات عموماً به سه دسته تقسیم می‌شوند: مطالبات دمکراتیک؛ مطالبات «حداقل» و مطالبات «انتقالی».

اول؛ مطالبات دمکراتیک آن دسته از شعارهایی هستند که الزاماً با سلطه سیاسی بورژوازی در تضاد نیستند، اما حقوق پایه‌ای کلیه قشرهای تحت ستم را گسترش می‌دهند. برای نمونه خواست‌هایی مانند آزادی حق بیان، تشکل و اعتصاب؛ آزادی تأسیس سندیکاهای کارگری؛ آموزش و پرورش مجانی و همگانی؛ لغو قوانین حقوقی و جزایی ارتجاعی؛ برابری کامل زنان و مردان در کلیه سطوح؛ آزادی و احترام به حقوق و حیثیت بشری؛ حق شکایت و دادگاهی کردن هر مقام دولتی توسط هر شهروند و غیره؛ شامل «مطالبات دمکراتیک» هستند.

گرچه مبارزه برای حقوق دمکراتیک همواره یکی از مبارزات عمده کمونیست‌ها بوده و هست، اما در کشورهای نظیر ایران تحقق چنین خواست‌هایی، مگر در وضعیت استثنایی، غیرعملی است. زیرا که اختناق حاکم حتی تحقق چنین خواست‌هایی را نمی‌تواند برای مخالفان خود در درون هیئت حاکم تحمل کند. با این وجود، چنین خواست‌هایی در برنامه و تبلیغات کارگری جای دارند؛ و تبلیغات حول آنها باید صورت پذیرند. زیرا به علت وضعیت اختناق؛ گاهی نیز آن مطالبات به شعارهای محوری کارگران مبدل می‌گردند.

طرح شعارهای دمکراتیک از این زاویه حائز اهمیت هستند که در وهله نخست کارگران باید این امکان را بیابند که خود را سازمان دهند. بدون سازماندهی تشکیلاتی و سیاسی، کارگران قادر به ایفای نقش انقلابی خود نخواهند بود. و هم چنین طی این مبارزات کارگران به ماهیت طبقاتی دولت (و نه صرفاً شکل حکومت

استبدادی) پی خواهند برد. علاوه بر اینها، برای آنکه، طبقه کارگر بتواند کلیه قشرهای تحت ستم را که خواست‌هایی عمدتاً دمکراتیک دارند، به جهت مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی جلب کند، مطالبات دمکراتیک را باید از «آن» خود کند.

دوم؛ مطالبات سنتاً «حداقل»، که آنها نیز نظام سرمایه‌داری را نفی نمی‌کنند. مطالباتی نظیر حقوق بیکاری، بیمه‌های اجتماعی، بازنشستگی، حق مرخصی با پرداخت دستمزد و غیره از جمله این خواست‌ها هستند. اهمیت این مطالبات در اواخر قرن نوزدهم بسیار زیاد بود. زیرا که حزب‌های سوسیال‌دمکرات می‌توانستند، برای اصلاحاتی به نفع کارگران دست یابند. اما این خواست‌ها، امروزه، حتی در کشورهای غربی کمرنگ شده‌اند، زیرا بورژوازی در حال پس‌گرفتن بسیاری از «اصلاحات» گذشته است. تحقق این خواست‌ها در کشورهای نظیر ایران نیز (مانند مطالبات دمکراتیک) یا غیرقابل تحقق‌اند و یا چنانچه بخشاً تحقق یابند، عمدتاً «اصلاحاتی» به نفع رژیم هستند و نه طبقه‌ی کارگر. اما علیرغم اینها، مبارزه حول این شعارها نیز ضروری است.

سوم؛ مطالبات «انتقالی» اند که تحقق‌نهایی آنها مستلزم شکسته شدن چارچوب نظام سرمایه‌داری است. این مطالبات که شامل شعارهایی مانند افزایش دستمزدها متناسب با تورم، کاهش ساعات کار متناسب با افزایش بیکاری؛ باز کردن دفترهای دخل و خرج شرکت‌ها، کارخانه‌ها و بانک‌ها؛ نظارت مستقیم کارگری برای تدوین قوانین موجود؛ کنترل بر تولید و توزیع و غیره می‌باشند.

از آنجایی که این مطالبات، در عصر اخیر، در پی هر حرکتی، به محور عملی مبارزات کارگری تبدیل شده است، یکی از پایه‌های اساسی مطالبات کارگران پیشرو را تشکیل می‌دهد؛ و برای دوره‌ای تاریخی در رأس برنامه حزب پیشتاز انقلابی آتی در ایران قرار می‌گیرد. مطالبات انتقالی از لحاظ کیفی با مطالبات دمکراتیک، جزئی و «حداقل» متفاوت‌اند، زیرا مطالبات دمکراتیک و حداقل؛ هیچیک نظام سرمایه‌داری را زیر سؤال نبرده و از مطالبات محوری درازمدت طبقه کارگر نمی‌توانند باشند.

در عصر انقلابات، دینامیزم مبارزات طبقاتی از مبارزه حول مطالبات دمکراتیک و حداقل، فراتر می رود. برخی نیز بر این باورند که با طرح شعار «سرنگونی رژیم» به تنهایی طبقه کارگر را برای تدارک رودرویی با رژیم آماده می کنند. محققاً این طور نیست! طرح این سرنگونی، بدون طرح شعارهای محوری کارگری صرفاً در سطح تبلیغاتی باقی می ماند. افزایش چند شعار «دمکراتیک» بر شعار «سرنگونی رژیم» نیز طبقه کارگر را برای مبارزه روزمره با رژیم نمی تواند سازمان دهد. تنها یک سلسله از مطالبات مشخص و ملموس انتقالی است، که از آگاهی کنونی طبقه کارگر آغاز شده، آنها را گام به گام برای سرنگونی رژیم می تواند آماده کند.

برنامه طبقه کارگر ترکیبی از مطالبات «حداقل»، «حداکثر» سنتی، «دمکراتیک» و «انتقالی» است. البته در رأس این برنامه مطالبات انتقالی قرار گرفته اند، زیرا که رو در روی روزمره «کار» و «سرمایه» را بطور پیگیر تشدید می کند و وضعیت را برای کسب اعتماد به نفس و نهایتاً تسخیر قدرت توسط طبقه ی کارگر آماده می کند. برنامه انتقالی نوشته تروتسکی خطوط کلی این روش از دخالتگری در درون جنبش کارگری ایران را به نمایش می گذارد.

اینک، چند دهه پس از نگارش برنامه انتقالی هر مبارز جدی کارگری از مطالعه این سند سود خواهد جست. چرا که آنچه این سند عرضه می کند؛ بیش و پیش از هر چیز، یک شیوه برخورد، یک روش برای مواجه شدن با مسأله مرکزی "متحد کردن توده ها جهت مبارزه انقلابی برای کسب قدرت است." در عین حال، تروتسکی خاطرنشان ساخت که برنامه انتقالی به صورتی که در سال ۱۹۳۸ نوشته شده، کامل نیست و محتاج ملحقات و تغییراتی است که توسط تجربه و کاربرد عملی برنامه روشن خواهند شد.

م. رازی

۱۸ تیر ۱۳۸۳